

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره شصت و سوم، زمستان ۱۴۰۰: ۱۳۹-۱۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

نمود مؤلفه‌های ناتورالیستی در آثار داستانی دفاع مقدّس (مطالعه موردی: «زمستان ۶۲» و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»)

محبوبه بانی‌مهجور*

منوچهر اکبری**

چکیده

ناتورالیسم، مکتبی ادبی است که رفتارها، گرایش‌ها و افکار انسان‌ها را برخاسته از غرایز درونی و امیال طبیعی می‌داند. طبق نظریه ناتورالیست‌ها، تمام واقعیت‌ها و پدیده‌های موجود در طبیعت در دایره معارف علمی قرار دارد و با قوانین علوم طبیعی قابل توجیه است. به عبارت دیگر ناتورالیسم، فرمول کاربرد علم جدید در ادبیات است. ناتورالیسم در ادبیات بر جنبه‌های توارث، محیط، تقدیر محتوم، مشاهده زندگی به دور از آرمان‌گرایی و نفی مسائل ماورایی تأکید دارد و در این راه به ترسیم جزئیات -عموماً- زشت و ناخوشایند می‌پردازد. ناتورالیسم ادبی از طریق ترجمه آثار ادبی صدر مشروطه به این طرف در حوزه داستان‌نویسی فارسی وارد شد و نویسندگانی مانند صادق چوبک، صادق هدایت، احمد محمود، محمد مسعود، اسماعیل فصیح و... را تحت تأثیر قرار داد. بررسی آثار ادبیات داستانی دفاع مقدّس، حاکی از وجود برخی از مؤلفه‌های برجسته ناتورالیسم مانند عینیت‌گرایی، بدبینی، سیاه‌اندیشی، شرح مبسوط فجایع جنگ، کاربرد کم‌سابقه برخی از تعبیر غیر مرسوم درباره رزمندگان، توجه به علم فیزیولوژی و... در شماری از اینگونه آثار است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با کمک منابع کتابخانه‌ای، برخی از شاخصه‌های ناتورالیسم را در دو رمان «زمستان ۶۲» از اسماعیل فصیح و «سفر به

* نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ایران

pl_edu_advancement@pnu.ac.ir

makbari@ut.ac.ir

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ایران



گرای ۲۷۰ درجه» از احمد دهقان واکاوی نموده است. نتیجه بررسی با توجه به شواهد متنی نشان می‌دهد که در این دو اثر، برخی از مؤلفه‌های ناتورالیستی نمود بارزی دارد. می‌توان گفت که آنچه آثار ناتورالیستی را از سایر نوشته‌ها متمایز می‌نماید، در این دو رمان قابل شناسایی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی، دفاع مقدس، ناتورالیسم، اسماعیل فصیح، احمد دهقان.



مقدمه

ناتورالیسم یا طبیعت‌گرایی، مکتبی ادبی است که در اواخر قرن نوزدهم در اروپا پدید آمد. این اصطلاح که از فلسفه به ادبیات راه یافته، ثمره رئالیسم و در بسیاری از موارد مترادف با آن مورد استفاده قرار گرفته است. «برای تفهیم نسبت آنها با یکدیگر شاید بتوان آنها را به دوقلوهای به هم چسبیده تشبیه کرد که هم اعضای مجزا دارند و هم اعضای مشترک» (فورست و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۶).

مفهوم هنری و ادبی ناتورالیسم مبتنی بر این اندیشه است که آنچه در جهان وجود دارد، بخشی از طبیعت است و می‌باید از همین راه، یعنی از طریق دلایل مادی و طبیعی، شرح و توصیف شود. به عبارت دیگر این مکتب، تلاشی برای به کار بستن یافته‌ها و روش‌های علمی در ادبیات است. آنچه نظریه ناتورالیستی را ویژگی می‌بخشد، اعتقاد راسخ و صریح آن به علم و روش‌های مشاهده و آزمایش است. به زبان ساده‌تر، ناتورالیسم فرمول کاربرد علم جدید در ادبیات است. «رمان ناتورالیستی، رمانی است که می‌کوشد این نظر تازه درباره انسان را که او موجودی متعین از وراثت و محیط و فشارهای لحظه است، با حداکثر عینی‌گرایی علمی به نمایش بگذارد» (ثروت، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

ناتورالیسم به عنوان یک تحول فکری همراه با تحول اقتصادی و سیاسی، مکتبی فلسفی است که در نتیجه تغییرات سریع و ریشه‌دار حاصل از انقلاب صنعتی در اروپای غربی و آمریکای شمالی، به همراه انتشار فرضیه تنازع بقای داروین، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نخست در فرانسه و سپس در آمریکا و انگلستان و سایر کشورهای اروپایی به وجود آمد. امیل زولا^۱ نویسنده فرانسوی، یکی از سرآمدان و پایه‌گذاران جنبش ناتورالیسم شناخته شده است. او، منش و روش نویسندگی خود را «تمرین‌های علمی» می‌نامید. این مکتب در حقیقت تجزیه و تحلیل طبیعت آدمی و تأثیر محیط طبیعی در حالات و روحیات هر کس است.

پیروان او معتقد بودند که در هر رمان یا نوشته باید تجزیه و تحلیل‌های علمی صورت پذیرد و همان‌گونه که در علوم طبیعی مشاهده می‌شود، در اعمال و روحیات انسانی نیز مطالعه به عمل آید. نویسندگان ناتورالیست، اعتقاد به جبر بیولوژیکی را از چارلز داروین^۲

1. Emile Zola
2. Darwin

اعتقاد به اسارت بشر در تنگنای غرایز جنسی را از زیگموند فروید^۱ و به کارگیری شیوه‌های علمی در نقد ادبی را از هیپولیت تن گرفتند^۲. «نویسندگان مکتب ناتورالیسم، حوادث و رویدادهای زندگی را تشریح می‌کنند و به علت ماورای پدیده‌های علمی برای توجیه حوادث و رویدادهای زندگی اعتقادی ندارند» (شریفیان و رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

ناتورالیسم اروپایی و آمریکایی از راه ترجمه آثار ادبی صدر مشروطه به این طرف در حوزه داستان‌نویسی فارسی وارد شد. به تأثیر از این مکتب، آثاری چند به قلم نویسندگانی مانند صادق چوبک، صادق هدایت، محمد مسعود، احمد محمود، اسماعیل فصیح و... نوشته شد. «چوبک با شکستن حرمت کاذب کلمات و مفاهیم، رکیک‌ترین دشنام‌ها و بی‌پرده‌ترین گفت‌وگوها را بر اساس دیدگاه ناتورالیستی خود در آثارش وارد می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

طرح مسئله

با وقوع انقلاب اسلامی و در پی آن، شروع جنگ تحمیلی دولت عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نویسندگان ابتدا با هدفی تبلیغی و تهییجی به خلق داستان جنگ پرداختند. عرصه داستان‌ها، میدانی برای تبلیغ و اشاعه عقاید و آرمان‌های مذهبی بود. ادبیات داستانی دفاع مقدس در سال‌های نخست، ساحتی تنزّه طلب داشت و عموماً مضامین ارزشی و اعتقادی مطرح می‌گردید و از دشواری‌ها و تلخی‌های جنگ، کمتر سخن گفته می‌شد. اما برخی از نویسندگان این حوزه تنها به نگاه باورمند اکتفا نکردند و به طرح دشواری‌ها و فجایع جنگ در آثار خود پرداختند. رگه‌هایی از ناتورالیسم در آثار جنگی دهه ۶۰ از جمله آثار اسماعیل فصیح (ثریا در اغما: ۱۳۶۲، زمستان ۶۲: ۱۳۶۶)، مهدی سحابی (ناگهان سیلاب: ۱۳۶۸)، تقی مدرّسی (آداب زیارت: ۱۳۶۸)، منصور کوشان (محاق: ۱۳۶۹) و... قابل مشاهده است.

نگاه قدسی و ارزشی نویسندگان به جنگ در نیمه دوم دهه ۷۰ و دهه ۸۰، جای خود را به نگاهی واقع‌گرا داد. داستان‌نویسان در برخی از آثار خود در کنار دلاوری‌ها و ایثارهای رزمندگان، دشواری‌ها، فجایع و زشتی‌های جنگ را به نمایش گذاشتند. تعدادی

1. Froid
2. Tain

به بیان سختی‌ها نیز اکتفا نکرده، به انتقاد از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود کشور در زمان جنگ پرداختند. بی‌پرده‌گویی از خشونت جنگ، اعتراض به وضع موجود، نفی ارادهٔ شخصیت‌ها، تأثیر جبر محیط بر انسان و... از مضامینی است که در آثار این دسته از نویسندگان قابل مشاهده است. بعدها در آثار نویسندگانی مانند احمد دهقان مثل سفر به گرای ۲۷۰ درجه (۱۳۷۵)، من قاتل پسرستان هستم (۱۳۸۴)، پرسه در خاک غریبه (۱۳۸۸) و حسین مرتضائیان آبکنار عقرب روی پلّه‌های راه‌آهن اندیمشک (۱۳۸۵)، رگه‌های ناتورالیسم روشن‌تر و جدّی‌تر قابل مشاهده است.

در این پژوهش، دو رمان «زمستان ۶۲» اسماعیل فصیح مربوط به دههٔ ۶۰ و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان مربوط به دههٔ ۷۰ از این دیدگاه بررسی می‌شود، در کنار آن به این نکته توجه شده است که ظهور یک دیدگاه مادی و منکر مسائل ماورایی در کنار دیدگاهی معنوی و موافق با مسائل ماورایی، پدیده‌ای جدید است که می‌تواند در مضمون‌سازی ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدّس مورد نظر قرار گیرد.

البته برخی از صاحب‌نظران، اینگونه آثار را در ردیف آثار ضد جنگ و رئالیستی افراط‌گرایانه قرار می‌دهند که در دسته‌بندی عمومی کارهای مرتبط با این حوزه، تفکیکی معقول است. اما به نظر نویسنده، وفور تعدادی از شاخصه‌های ناتورالیستی مانند شکستن حرمت قراردادی واژگان، بی‌پرده‌گویی‌های افراطی از زشتی‌ها و خشونت جنگ، توجه بیش از حد به جزئیات و... در این دسته از آثار می‌تواند این دسته‌بندی را گسترش داده، به سوی ناتورالیسم سوق دهد. در کنار هم قرار دادن ادبیات دفاع مقدّس با رویکردی ارزشی و اعتقادی با ناتورالیسم که بر مبنای دین‌گریزی، نفی مسائل ماورایی و بی‌پردگی‌های اخلاقی پایه‌ریزی شده، یعنی سازگار نمودن دو مقولهٔ متضاد با هم، کاری سخت و طولانی است؛ لیکن نتیجهٔ آن می‌تواند ظهور مضامین تازه و نگرش‌های جدید در این حوزه باشد.

این پژوهش درصدد پاسخگویی به دو پرسش زیر است:

۱. دو رمان «زمستان ۶۲» و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» چگونه در دسته‌بندی آثار

ناتورالیستی قرار می‌گیرند؟

۲. شاخصه‌های بارز ناتورالیسم در رمان‌های مورد بررسی کدامند؟

پیشینه تحقیق

آثار پژوهشی مرتبط با این مقاله به دو دسته کلی قابل تقسیم است:

۱- کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که با موضوع نقد و تحلیل آثار داستانی جنگ نوشته شده‌اند، مانند: «جنگ از سه دیدگاه» از محمد حنیف (۱۳۸۶)، «تفنگ و ترازو» از بلقیس سلیمانی (۱۳۸۰)، «جنگی داشتیم، داستانی داشتیم» از کامران پارسی‌نژاد (۱۳۸۴)؛ مقالات سمینار بررسی رمان جنگ (۱۳۷۳)، «سبک‌شناسی داستان‌های اسماعیل فصیح» از اسداللهی و مهری بیگدیلو (۱۳۹۸)، «سیری در رمان جنگ دهه ۶۰» از شوهانی (۱۳۸۹) و

۲- آثاری که در زمینه ناتورالیسم به چاپ رسیده، مانند: «سیر ناتورالیسم در ایران» اثر عبدالله حسن‌زاده میرعلی (۱۳۸۸)، «مکتب‌های ادبی» از رضا سیدحسینی (۱۳۸۹)، «آشنایی با مکتب‌های ادبی» از منصور ثروت (۱۳۹۰)، «فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز» از حسن میرعبدینی (۱۳۸۶) و ... که نویسندگان برای آشنایی بیشتر با مکتب ناتورالیسم، به آنها مراجعه نموده‌اند و مقاله‌های «یک گام به سوی بومی‌گرایی (نقد داستان‌های اسماعیل فصیح)» نوشته رضا صادقی شهپر و سیما پورمرادی (۱۳۹۲)، «تحلیل عناصر ناتورالیستی در داستان‌های محمود دولت‌آبادی» نوشته مهدی شریفیان و فرامرز رحمانی (۱۳۹۲)، «نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم» نوشته ابوالقاسم رادفر و عبدالله حسن‌زاده میرعلی (۱۳۸۳) و «بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در ادبیات داستانی جنگ» نوشته مهدی خادمی کولایی و نسیم حسن‌پور ایلالی (۱۳۹۷). نویسندگان از بخش‌هایی از مقاله اخیر تأثیر پذیرفته است. نویسندگان برای ترسیم خطوط کلی طرح مقاله، بیشتر به مقاله آخر تأسی نموده‌اند.

ضرورت تحقیق

نگرش دین‌گریز ناتورالیستی به آثار ادبیات داستانی جنگ که دارای صبغه مذهبی و باور اعتقادی است، موضوعی جدید است. درکنار هم قرار دادن اضداد یا ایجاد ارتباط بین دو دیدگاه متفاوت می‌تواند موجب خلق آثاری بدیع و بی‌سابقه شود؛ زیرا با توجه

به گذشت حدود ۳۹ سال از شروع جنگ تحمیلی در ایران، خطر نسیان و پاشیدن غبار فراموشی بر خاطرات جنگ، این حماسه بزرگ را تهدید می‌کند. ایثارگران و نام‌آوران جبهه‌های حق علیه باطل کم‌کم از این دنیای فانی رخت برمی‌بندند و خاطرات خود را به همراه می‌برند. ایجاد انگیزه در خلق مضامین بکر و نو و نگارش آثار ماندگار در جاودانه نمودن هشت سال دفاع مقدس، کاری است که هر دم نیاز به فکری تازه دارد.

معرفی نویسندگان و آثار برگزیده

اسماعیل فصیح

«اسماعیل فصیح» در اسفند ماه ۱۳۱۳ هجری شمسی در تهران زاده شد. در سال ۱۳۳۵ به آمریکا رفت و در رشته شیمی و ادبیات انگلیسی تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران، به کار ترجمه برای مؤسسه انتشارات فرانکلین و شرکت نفت پرداخت. تا سال ۱۳۵۹ در دانشکده نفت آبادان تدریس می‌کرد. وی در سال ۱۳۸۸ چشم از جهان فرو بست. این نویسنده هیچ‌گاه در جبهه‌های جنگ تحمیلی ایران حضور نداشته و جنگ را به صورت ملموس درک نکرده است. تصویرسازی او از جنگ عراق علیه ایران، بیشتر بیان آثار مخرب جنگ و نوعی انتقاد اجتماعی است. رمان‌های فصیح، ساختی ادواری دارند. «فصیح برای اینکه توصیفی عینی و بسیار دقیق و موشکافانه از واقعیت‌ها ارائه کند، به گونه‌ای افراطی خود را درگیر جزئیات می‌کند که همین امر وجهه‌ای ناتورالیستی به آثار او بخشیده است» (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶۴۷-۶۴۸). رمان «زمستان ۶۲»، خاطرات سه ماه از زندگی جلال آریان را بازگو می‌کند.

احمد دهقان

«احمد دهقان» خرداد سال ۱۳۴۵ در کرج متولد شد و در تهران پرورش یافت. نوجوانی او مصادف با حمله ارتش عراق به ایران بود. دوّم فروردین ۱۳۶۱، بدون آموزش نظامی به جبهه رفت. در عملیات فتح‌المبین شرکت کرد. پس از آن در عملیات بزرگ بیت‌المقدس حضور یافت. دهقان در مدت شصت ماه حضور در صحنه‌های نبرد، سیزده عملیات جنگی را تجربه نمود و چند بار مجروح شد. بنابراین از نویسندگانی است که واقعیت جنگ را به خوبی لمس کرده است. توصیفات دقیق و موشکافانه او گواه این مدعاست.

همان‌گونه که زولا^۱ بر این باور بود که نویسنده باید تخیل را کنار بگذارد و از واقعیت‌ها سخن بگوید، نوشته‌های دهقان نیز عمدتاً برخاسته از متن واقعه، با کمترین رویکرد به سمت و سوی تخیل است. او پس از خاتمه جنگ تحمیلی، ادامه تحصیل داد و در رشته مهندسی برق فارغ‌التحصیل شد. کارشناسی‌ارشد را در رشته مردم‌شناسی به پایان رساند و پایان‌نامه خود را به موضوع دفاع مقدس و خاطره‌های آن اختصاص داد. دهقان سال‌هاست که به عنوان کارشناس ادبی در دفتر ادبیات و هنر مقاومت و دفتر آفرینش‌های هنری فعالیت دارد. رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را در سال ۱۳۷۵ منتشر نمود. این رمان بازگویی چند روز از خاطرات او در نبرد سنگین کربلای ۵ است. این رمان را «پال اسپراکمن^۲»، نایب‌رییس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتجرز آمریکا به زبان انگلیسی ترجمه کرده است.

خلاصه رمان «زمستان ۶۲»

جلال آریان، استاد بازنشسته شرکت نفت در دی ماه سال ۱۳۶۲ عازم اهواز می‌شود تا ادريس -پسر بسیجی خدمتکارش را که در خلال جنگ مفقود شده است- بیابد. هنگام گرفتن مجوز برای رفتن به اهواز، با جوانی به نام منصور فرجام آشنا می‌شود که در تصادف اتومبیل، نامزد مورد علاقه خود را از دست داده و از آمریکا به ایران بازگشته است. او برای راه اندازی مرکز تکنولوژی کامپیوتر شرکت نفت، مسافر اهواز است. از جلال می‌خواهند با او هم‌سفر شود. این سفر، باب آشنایی با فرجام است. جلال آریان پس از یافتن ادريس، با مریم جزایری همسر کورش شایان - اعدامی انقلاب- به صورت مصلحتی ازدواج می‌کند تا مریم و دختر کوچکش بتوانند به انگلستان بروند. فرجام پس از مدت کوتاهی از کار دلسرد می‌شود و سرانجام برای نجات جان فرشاد - سربازی که چشمان نامزدش شبیه چشمان نامزد فوت‌شده اوست- به جبهه می‌رود و شهید می‌شود. در پایان، جلال آریان با ادريس آل مطرود که یک دست و یک پایش را در دفاع از کشور از دست داده و یک طرف صورتش زخمی و بدشکل شده است، به تهران بازمی‌گردد.

خلاصه رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»

ناصر -راوی داستان- تلگرافی از دوستش علی به دستش می‌رسد. علی نوشته: «بچه‌ها

1. Zola
2. Paul Strakman

سلام می‌رسانند. می‌خواهیم برویم خانه عمه میرزا. هر چه زودتر خودت را برسان». خطرات جبهه در ذهن ناصر زنده می‌شود. به سراغ دوستانش می‌رود. همگی به جبهه رفته‌اند. بی‌قرار می‌شود. ولی پدر موافق رفتن او نیست. همان شب، علی به منزل آنها می‌آید و اجازه رفتن او را از پدر می‌گیرد. روز بعد با علی، راهی اندیمشک می‌شوند و از آنجا به موقعیت استقرار گروهان می‌روند تا در عملیات کربلای پنجم شرکت کنند. در عملیات پاکسازی تانک‌های دشمن، علی به شهادت می‌رسد. عملیات پاکسازی با موفقیت انجام می‌شود. اما در ادامه، شدت درگیری از حد متعارف خارج می‌شود و دشمن، نیروهای رزمنده را محاصره می‌کند. در این درگیری سخت، بیشتر رزمندگان شهید می‌شوند و فقط شش نفر از دسته ناصر باقی می‌ماند. ناصر از ناحیه صورت و فک مجروح می‌شود و به خانه بازمی‌گردد و به سراغ درس می‌رود. در بازگشت از امتحان آخر به خانه، تلگرافی از دوستش رسول به دستش می‌رسد که متن آن، رمز عملیات بعدی است.

بررسی شاخصه‌های ناتورالیستی در رمان‌های برگزیده

در ادامه به بررسی و تحلیل وجوه و شاخصه‌های بارز ناتورالیسم و شواهد متنی آنها در دو اثر برگزیده از اسماعیل فصیح و احمد دهقان می‌پردازیم. کاربرد این ویژگی‌ها در هر دو اثر، یکسان نیست. برخی از مؤلفه‌ها مانند مخالفت با قراردادهای اخلاقی و عرفی، جدی نگرفتن باورهای اصیل اعتقادی و تأثیرپذیری از شرایط جسمانی در «زمستان ۶۲» نمودی بارز دارد و قابل مقایسه با کاربرد آن در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نیست. اشاره دهقان به این ویژگی‌ها، نامحسوس و زودگذر است.

نفی اراده افراد در رفع نقصان‌های منشی یا جبر محیط

مکتب ادبی ناتورالیسم نسبت به اینکه فرد بتواند از عهده تصمیم‌گیری درباره سرنوشت و هستی خود برآید، تردید دارد. «ناتورالیست‌ها معتقدند که انسان در مسیر جبر تاریخی قرار گرفته است؛ مسیری که همه عوامل از جمله اجتماع، وراثت و تکامل زیست‌شناختی، او را به سوی یک سرنوشت محتوم به پیش می‌راند» (رادفر و حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۸۳: ۳۴).

«یک عاشق در اوج خوشی و سعادت درجا کشته می‌شه، یک عاشق باقی می‌مونه و رنج می‌بره... باید از دریای خشک بخت، سینه‌خیز و با جنگ و دندان گذشته باشه» (فصیح، ۱۳۹۶: ۲۵۱).

«منصور فرجام می‌گوید: تعداد نفس‌های هر کس، جیره‌بندی شده است. هر نفسی که می‌کشیم، به مرگ نزدیک‌تر می‌شیم. بقیه‌ش حرف مفت» (همان: ۳۴۳).

«رفیقی داشتم که یه روز نوشت ما همه با پاکت‌های مهر و موم شده تقدیر حرکت می‌کنیم و نمی‌دانیم چه باید بکنیم و چه به سرمان می‌آید» (همان: ۳۸۶).

«الهی اوستا کریم بخواد اتّفاقی نیفته» (همان: ۴۳۰).

«یکهو زمین و زمان به هم می‌ریزد... می‌ریزیم پایین جاده و بی‌دفاع پناه می‌گیریم. جایی نداریم تا به آن پناه ببریم. گله‌رمیده‌ای هستیم که گرگ بهمان زده» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

«جنگ ناگهانی و بی‌مقدمه به ما هجوم آورده و ما دست و پا بسته در مقابلش ایستاده‌ایم» (همان: ۱۲۹).

«دره‌ای هستم که اگر این بند اتّصال نیز قطع شود، هیچ‌چیز ندارم، هیچ‌چیز» (همان: ۱۵۵).

«خدا می‌داند با این آغاز، چه پایانی خواهیم داشت» (همان: ۲۱۸).

همسان پنداری انسان و حیوان

برخی از مضامینی که در رمان‌های دفاع مقدّس مطرح می‌شود، از شاخصه‌های مکتب ناتورالیسم غربی نیست؛ اما وجود آنها در آثار ادبیات دفاع مقدّس که فضایی ارزشی دارد، می‌تواند نوع خاصی از ناتورالیسم را در این گونه‌ی ادبی رقم بزند. تنزل جایگاه انسان و نادیده انگاشتن حرمت او را می‌توان از مولفه‌های ناتورالیسم در ادبیات داستانی دفاع مقدّس دانست.

«او دربان یا مأمور حراست یا هر دو است، با قیافه‌ی نه چندان جوان، چشمان سیاه نافذ، ریش و سبیلی خیلی دراز فلفل نمکی. کمی شکل راسپوتین، اما با تسبیح» (فصیح، ۱۳۹۶: ۱۳).

«در آن لحظه، من چشم‌های مسعود مارمولک را می‌بینم که حالا مثل قلاب‌های چنگولک خرچنگ به دهان منصور فرجام قفل شده» (همان: ۲۹۱).
«لاله در آخرین ساعات دیروز ظاهراً تمام پول‌های لازم را در دست این بوزینه مسعود عدالت‌فر گذاشته تا مخارج را بدهد... ولی مسعود مارمولک... غیبش زده... پدرسگ با برادر بزرگ‌تر خودش هم همین کار را کرده» (همان: ۲۹۵).

«لاله جهانشاهی مثل گربه کتک‌خورده، انگار مشرف به دیدار ملک‌الموت است» (همان: ۳۸۰).

«تقی در دشت می‌دود... و مثل خروس تازه بالغی جیغ می‌کشد» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

«میرزا مثل سموری هراسان، از ته گودال سنگرشان سر بالا می‌آورد» (همان: ۱۸۲).

«حیدر دیوانه‌وار فریاد می‌کشد و می‌دود. غبغبش مثل غبغب وزغ، پر و خالی می‌شود» (همان: ۲۲۳).

بیان جزءنگارانه واقعیات تلخ و خشونت‌های تکان‌دهنده

از اصول مکتب ناتورالیسم، توجه و سواس‌آمیز به تصویر کردن جزئیات تلخ و خشونت‌های تکان‌دهنده است. ناتورالیسم مکان و زمان حوادث را با جزئیات دقیق به تصویر می‌کشد.

«به سوی محل انفجار می‌روم. جسدها را تندتند یا ریزه‌ریزه یا نکه‌تگه بیرون می‌کشند. شب شوم و مرگبار لخته‌لخته می‌گذرد... نصف جسد مردی را درآورده‌اند و نصف دیگرش نیست» (فصیح، ۱۳۹۶: ۲۲۷).

«دور تا دور کف زمین سمندی سردخانه، جنازه‌ها درازند... بعضی سوخته، بعضی له‌شده، بعضی دست و پا از دست داده، بعضی هم شدیداً خون‌آلود و پوشیده با خون خشکیده و سیاه...» (فصیح، ۱۳۹۶: ۴۱۲).

«سر یک انسان را برداشته بودند، له کرده بودند، سوزانده بودند، بعد با پنبه و پودر سدر و کافور حنوط کرده بودند و گذاشته بودند توی قبر» (همان: ۴۴۹).

«تانک از رو کمر او رد شده... او نصف شده؛ نصف‌نصف... از کمر به پایین در رتّ شنی تانک پخش شده... رتّ دردی عظیم، دردی به اندازه تمام دنیا بر چهره او نشسته...» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

«دو نفر مجروحی را می‌بندند... روده‌اش ریخته بیرون و ماده‌ای لزج، خاک را به خود می‌کشد... یکی از امدادگرها... زور می‌زند تا روده‌ها را تو پوست شکم فرو کند... عرق صورتش می‌پاشد رو روده‌های عریان و آن که زخمی شده، صورتش را درهم می‌کشد» (همان: ۲۰۵).

«همان که ناله می‌کرد، دراز به دراز افتاده. می‌روم بالای سرش. انگار که یک قصابِ ناشی سرش را بریده باشد؛ نصف گردنش قطع شده و خون گرم با فشار از تو شاهرگش می‌زند بیرون» (همان: ۲۲۹).

شرایط جسمانی در اثر ناتورالیستی

در آثار ناتورالیستی «آثار، حالات و وقایع از دیدگاه زیست‌شناسانه تحلیل می‌شوند و نیازهای غریزی و حتی فساد و فحشا... به دلیل غلبه خواسته‌های جسمانی بر فرد تحقق می‌یابد» (میرعبدینی، ۱۳۸۰: ۵۲۳). در واقع آنها به انسان از موضع طبیعتش می‌نگرند، نه از موضع فرهنگی‌اش. فصیح در «زمستان ۶۲» بیشتر به نیازهای غریزی توجه نموده، در حالی که دهقان در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» بیشتر به نیازهای اولیه جسمانی توجه داشته و نیاز غریزی را در پرده بیان نموده است.

«چشم‌هایم را می‌بندم و سعی می‌کنم خودم را بگذارم لب پلاژ اقیانوس

کبیر، یا خیابان ۱۶۰۳ سن‌خوزه، آنجا که جانیس آپارتمان داشت. در رختخواب با هم امیلی دیکنسون می‌خواندیم...» (فصیح، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

«زمانی برای خرّمالی جلال آریان، زمانی برای عشق و حال نامبرده... زمانی برای کلنجر رفتن با جانیس و بردوی سفید در رختخواب. من از نور و ایمان ساخته نشده‌ام، من اهل خاکم و... صحنه مبارزه‌ام جاهای دیگر است، مثلاً رختخواب...» (همان: ۲۸۷).

«... او اصلاً دیوونه و آدمکش و سفاکه. اوایل جنگ که هنوز توی جنگ بود، هر وقت عراقی‌ها رو تو بیابون می‌گرفت، سرشون رو فوری می‌برید» (همان: ۳۱۷).

«کم‌کم آرام می‌شود و من تازه می‌فهمم که خواب دیده و به دنیای ناشناخته‌ای پا گذاشته و برای اولین بار به بلوغ رسیده» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۱۹).
«رو دژ، سنگ‌راهی هست که قبلاً کمین نیروهای دشمن بوده و حالا آنهایی که زور به‌شان می‌آید، می‌روند تو آنها و خودشان را راحت می‌کنند» (همان: ۱۳۶).

«پاهایش را می‌گیرم و تکانش می‌دهم که یکهو احساس می‌کنم دستم خیس شده. مثل بید می‌لرزد» (همان: ۱۷۱).

تأکید بر واقعیت (به تصویر کشیدن زشتی، فقر و فلاکت موجود در جامعه)

دیدگاه افراطی ناتورالیست‌ها این بود که تلاش می‌کردند وقایع را به صورت رئالیستی به تصویر بکشند و البته در این کار تأکیدشان بیشتر بر فقر و بدبختی و به طور کلی جنبه زشت و کربیه واقعیت بود. آنها در آثار خود، چیزی جز فلاکت، فقر، بی‌عدالتی و پلیدی را نمی‌دیدند. در این شاخصه، فقر در کلام دهقان و احساس یأس و پوچی در فحوای کلام فصیح، نمود بیشتری دارد.

«قبر محمد، نه سنگ سفید مجلل بزرگ دارد، نه تابلوی شیک تصویر و نه پرچم بلند سر به فلک کشیده... یک گلیم روی آن انداخته‌اند و مقداری میوه و شیرینی در یک گوشه‌اش چیده‌اند... یک خانواده فارس

اهوازی، ولی شندر پندری هم آن طرف دیگر همین حال را دارند» (فصیح، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

«امروز یکی از مراکز اسکان مجروحین و معلولین جنگ را می‌بینی. درد، خون، زخم، قطع عضو، چرک، پارگی، فلجی، آماس، کبره، شکستگی، بدون یک پا، بدون یک دست... ناله، ضجه...» (همان: ۲۴۴).

«اینجا و آنجا، کپه‌های خودروهای سوخته یا تیر برق یک‌جوری غش کرده یا لاشه‌هایی از اسکلت دام مرده توی چشم می‌خورد» (همان: ۲۸۳).

«چهرهٔ مادر تو چارچوب در قاب می‌شود... روسری رنگ و رو رفتهٔ زرد از زیر چادر بیرون زده و چند لای موی مشکی ریخته روی پیشانی» (دهقان، ۱۳۹۳: ۶).

«ستاد بسیج اقتصادی اعلام کرد: کوپن... پدر و مادر تمام حواسشان می‌رود پی تلویزیون. پدر دستش را طوری گرفته که همه‌مان ساکت باشیم» (همان: ۱۵).

«زیر پایمان تشک‌های ابری گذاشته‌اند. تشک‌هایی که پر هستند از خون و استفرغ و ادرار... یکی عقب اتوبوس عق می‌زند. مایع زردرنگی بالا می‌آورد. صورتش سفید شده و آب دهانش از زیر چانه‌اش شره می‌کند» (همان: ۲۳۲).

احساس یأس و پوچی و بدبینی رتال جامع علوم انسانی
بیشتر داستان‌های ناتورالیستی، حال و هوایی یأس‌زده و اندوهناک دارند. غم و احساس پوچی و یأس در سرتاسر این نوع داستان‌ها موج می‌زند.

«شبی که مرگ پشت پنجرهٔ جوانی زد، شبی که عشق درهای خانهٔ دل را گشود، شبی که عقد ما در گور بسته شد، شبی که به لقای خداوندگار رسیدیم... جواب زندگی را چه دهیم؟» (فصیح، ۱۳۹۶: ۲۴۲).

«وقتی سرطان مرگ، مغزت را مثل خوره می‌خورد، چکار می‌شود کرد؟

وقتی فکر مرگ و مردن جزء کسب و کار روزانه می‌شود، چکار می‌شود کرد؟... سرطانی است که می‌جود و می‌مکد و می‌خورد» (فصیح، ۱۳۹۶: ۳۶۳).
«چقدر باید رنج کشید؟ چقدر باید منتظر بود؟ ایثار یعنی چه؟ تا چه حد باید داد؟ کی؟ چی؟ آیا مثل منصور فرجام باید یک زمستان از زندگی را داد؟» (همان: ۳۸۳)

«حالا چادر خالی شده؛ خالی‌خالی... و دیگر چیزی نیست، جز کاغذپاره و مقوآهای خالی مهمات. احساس می‌کنم که آب سردی می‌ریزند تو رگ‌هایم که تا نوک انگشتان پایم می‌رود» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۰۳).
«... همه مثل اعدامی‌ها آسمان را می‌کاوند و حیران و سرگردان هستند و انگار در دنیای ناشناخته و خوف‌انگیزی پا گذاشته‌اند» (همان: ۱۱۴).
«نگاهش می‌کنم و می‌بینم که گردنش را کج گرفته و انگار که جلوی خدایان هندی قرار گرفته باشد و چیزی را طلب کند، پایم را ول نمی‌کند. صورتش رنگ مرگ گرفته» (همان: ۱۸۹).

توجه به علم فیزیولوژی

در بیان ناتورالیستی برای پی بردن به مشخصات روحی و اخلاقی یک شخصیت، ارائه مشخصاتی از وضعیت مزاجی او، نتیجه‌گیری درباره تشخیص حالات روحی و یا خصوصیات اخلاقی‌اش به عهده خواننده گذاشته می‌شود.

«بیژن جزایری شروع می‌کند به حرف زدن از پول و ارز و قاچاق و مبادله فیلم ویدئو با طاعتیان و زنش هم شروع می‌کند به مبادله دل و قلوئه چشمی با مردها» (فصیح، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

«قلب لامستیم عملاً شروع می‌کند به شلوغ کردن، انگار به دیدار ژاژگابور هالیوود می‌روم» (همان: ۲۷۴).

«... [ادریس] از اینکه آن عقب، بغل دو تا زن نامحرم و یک بچه پولدار نق نقو نمی‌نشیند خوشحال» (همان: ۳۹۵).

«علی لحظه‌ای کم نمی‌آورد. می‌خندد، می‌خورد و یکریز حرف می‌زند»
(دهقان، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳).

«مادر یکجا بند نمی‌شود. به هر سو می‌رود» (همان: ۳۰).

«تمام عضلاتش منقبض شده. می‌لرزد. عینهو کسی که تب و لرز داشته... دست بر زمین می‌گذارد تا بلند شود... مثل برق گرفته‌ها دستش را می‌کشد» (همان: ۶۹).

مخالفت با قراردادهای اخلاقی و عرفی

به اعتقاد ناتورالیست‌ها، انسان جزئی از نظام مادی طبیعت است که هیچ ارتباطی با عالم غیر مادی که در مذهب یا اعتقادات اساطیری مطرح می‌شود، ندارد. ناتورالیست‌ها عملاً ارتباط داستان‌های خود را با امور معنوی و در نتیجه خدا قطع می‌کنند. طرح مسائلی مانند ارتباط نامشروع، مصرف مواد الکلی یا مخدر، قتل عمد سربازان، ترس فرماندهان و... در مضامین دفاع مقدس غیر معمول است و عبور از خط قرمزها محسوب می‌شود. فصیح در این اثر به طور محسوس از این شاخصه بهره برده و از مصرف مواد الکلی و ارتباط نامشروع بی‌پرده سخن گفته است؛ در حالی که دهقان ترس فرماندهان را در لابه‌لای کلام گنجانده و در پرده، به خاموش کردن رزمندگان برای جلوگیری از آگاهی دشمن از حضور آنها اشاره می‌کند.

«دکتر باقی‌مانده شیشه افسنطین دیشب را می‌آورد. کمی از آن را با آب پرتقال برای منصور فرجام تجویز می‌کند» (فصیح، ۱۳۹۶: ۶۸).

«از مشروب پشروب خبری نیست، اگرچه مسعود عدالت‌فر... از جیب می‌خورد و لحظه به لحظه پاتیل تر می‌شود» (همان: ۸۵).

«تو می‌خواهی بگیریش تا بتونه راه بیفته بره انگلستان؟... مزایای جنبی چی؟... کسب می‌کنی؟ - من مزایای جنبی رو از جاهای دیگه کسب می‌کنم» (همان: ۲۳۰).

«یکی بلندبلند فریاد می‌کشد و صدای کشمکش می‌آید و بعد صدای خفه‌ای که آرام آرام خاموش می‌شود... صداهای گنگ و دردآلود ته ستون فروکش می‌کند، منطقه یکپارچه سکوت می‌شود» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

«رسول می‌پرسد: جنازه‌ها چی شدن؟ - می‌گویم: نیاوردن شون که! خجالت می‌کشم بگویم نیاوردیم‌شان. خودم هم در میان کسانی بودم که گریختم... و مهدی را نیاوردیم؛ و اصغر را...» (دهقان، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

«حیدر... یقه‌ها را می‌گیرد و می‌خواهد به زور برخیزاند. به‌ام که می‌رسد، هراس را از تو صورت عرق‌آلودش به وضوح می‌بینم» (همان: ۲۱۲).

جدی نگرفتن باورهای اصیل اعتقادی

آثار مرتبط با جنگ و دفاع مقدس غالباً رنگ مذهبی دارند و وجود مضامینی که نشان نفی باورهای اعتقادی باشد یا با رویکردی طنزآمیز با آن برخورد کند، در آنها غیر قابل انتظار است. فصیح در اثر خود با نگاهی تمسخرآمیز به موضوع پرداخته و دهقان از این مؤلفه برای ایجاد طنز کلامی بهره برده است.

«روی طول موج شهادت و شهید نیستی؟ - مگه تو هستی؟ - کنجکاو شده‌م. - نشو، اومد نیومد داره» (فصیح، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

«در سایه‌روشن فلق، یک مرغ عشق کوچک... روی شاخه‌ای از بید مجنون نشسته... این یکی تک و تنه‌است... جفت مربوطه باید همین حوالی باشه... شاید او هم رفته خس و خاشاک جمع کند یا رفته جبهه... یا معلول شده و در یک نقاهتگاه بیتوته کرده. شاید هم مثل محمد، بچه ننه‌بوشهری شهید شده» (همان: ۱۴۳).

«گاز می‌دهم و می‌پیچم توی جاده باز طرف جسر، که عین جاده آخر زمان، ولنک و واز و پر از دود و مه و خاک است» (همان: ۲۸۱-۲۸۲).

«اگه امام حسین می‌رفت درس می‌خوند و دکتر می‌شد، بهتر کارش پیش می‌رفت!... تو مطب می‌نشست و برای هر مریضی که می‌اومد از اسلام می‌گفت و کار به دعوا و کتک‌کاری هم نمی‌کشید» (دهقان، ۱۳۹۳: ۲۳-۲۴).

«ایشالا تو صف محشر پشت سرشون یزید باشه و جلو روشون صدّام. فرشته‌ها امثال آقارو دیدن که گفتن ساخت کارخونه آدم‌سازی بی‌فایده‌اس!» (همان: ۳۵).

«اینو باش تو هیچ می دونی توفان نوح، فوت منه!» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

استفاده از زبان محاوره

ناتورالیست‌ها معتقدند که جمله‌ها باید طبیعی و متناسب با شخصیت‌های رمان انتخاب شود. شخصیت می‌تواند با حرف زدن و ادای خاص کلمات، خود را غیر مستقیم به خواننده بشناساند.

«اما به شرطی که بذاری مثل آدم حسابی کرایه بدم. -ای آخای مهندس، این فرمایشا چیه؟» (فصیح، ۱۳۹۶: ۶۲).

«هیچی شون نیست، ایشالا... دکترهام چی می‌فهمن؟ هی قرص می‌دن، هی کفسول می‌دن؟» (همان: ۹۸).

«می‌گویند: ساختمان دست راست دانشگاه کمپیوتره، ساختمان دست چپ دانشگاه زیون انگلیسی...» (همان: ۱۰۸).

«دیگه زوارم در رفته، این کمردرد لاکتاب عمر رو ازم گرفته. می‌گیرد و ول می‌کند. بادش از این پایین کمر شروع می‌کنه و از بالای دوتا کتفم در می‌ره» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۵).

«شرمندۀ اخلاق تونم، بقیه‌اش رو باید با خطّ یازده برین» (همان: ۴۰).

«آی خدا آقایی کنه و این هوتول بیفته، با همین گوشاشون رو می‌ذارم کف دستشون» (همان: ۱۸۵).

تغییر مفاهیم قراردادی کلمات

در داستان‌های ناتورالیستی واژه‌ها و مفاهیمی به کار می‌رود که پیش از آن استفاده نمی‌شده یا کاربرد آنها نادر بوده است؛ کاربرد این ویژگی در کلام فصیح، جدی‌تر از دهقان است. دهقان با کاربرد این ویژگی، کلام خود را با طنز می‌آمیزد.

«دلّم می‌خواد برم یه خورده توی شهر خاطراتی اهواز قدم گوگیجه بزنم...» (همان: ۳۲).

«آره، اما دزفول از شهرهایی‌یه که اون مدرسگ، هر وقت اُبنه‌ش عود

می‌کنه یا ویسکی زیاد می‌خوره، یه نه متری به وزن دو تن ول می‌کنه...»
(دهقان، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

«فقط مطرود حالش زاره. اگه دفعه دیگه که برمی‌گردم ادریس رو
نبرم، ریغ رحمتو سرمی‌کشه» (همان: ۲۶۱).

«می‌دونی چی، من می‌گم گور بابای جبهه! وقتی اینجا خودش یه
سنگر باشه، مگه آدم دیوونه‌س پاشه بره اون سر دنیا تو یه سنگر دیگه!
اونم وسط آتیش توپ و تفنگ! خون دادن که کاری نداره، هر عمله‌ای
می‌تونه خون بده...» (همان: ۲۳).

«به حرصت عباس خشتک‌شونو رو سرشون عمامه می‌کنم. به ابوالفضل
عصمت‌شونو گچی می‌کنم... عروس منو آبکش کردن...» (همان: ۱۸۳).

«زیر لب فحش چارواداری می‌دهد. ای ننه‌تون رو شمر... که کلامش
را نیمه تمام می‌گذارد و یکهو سر بلند می‌کند و انگشت شستش را حواله
می‌دهد...» (همان: ۲۰۴).

پایان ناخوشایند و دردناک

در داستان‌های ناتورالیستی، پایان‌بندی داستان‌ها ناخوشایند است و جبر تاریخی و
اجتماعی بر سرنوشت آدم‌ها غلبه می‌یابد. غم نهفته در «زمستان ۶۲» تلخ است. غمی که
در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» موج می‌زند، دردناک است.

«مرگ مادر لاله در شب سرد و متشنج ۲۲ بهمن اتفاق می‌افتد و تشییع
جنازه و خاکسپاری روز ۲۲ بهمن انجام می‌گیرد» (فصیح، ۱۳۹۶: ۲۹۴).

«نیم قرن پیش از این، یک شب زمستانی دیگر توی پس‌کوجه‌های
خواب‌آلود خیابان شاهپورم، شبی که مادرمان سر زاییدن یوسف مرد.
هنوز خیلی جوان بود، خیلی زیبا بود» (همان: ۳۸۷).

«تنهاییم، با هم، ولی تنها. کمابیش همان نقطه‌ای که حدود سه ماه
پیش... با منصور فرجام آمدیم... او حالا توی قبرستان شهیدآباد خوابیده
- در گوری از عشق - وسط هزارها گور دیگر از عشق...» (همان: ۴۵۰-۴۵۱).

«تانک از رو کمر او رد شده... نصف شده؛ نصفِ نصف... از کمر به پایین، در ردّ شنی تانک پخش شده... ردّ دردی عظیم، دردی به اندازه تمام دنیا بر چهره او نشسته...» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

«انگار سال‌هاست که از هم دور افتاده‌ایم و حال که به هم رسیده‌ایم، داغ هزاران عزیز را در سینه داریم» (همان: ۱۶۹).

«منگم و همه چیز در ذهنم تار می‌نماید. آی کجایی! علی، مهدی، اصغر و همه کسانی که در یک روز و در یک بیست و چهار ساعت جلوی چشم‌هایم دست و پا زدید و از دنیا رفتید. مگر چقدر زمان می‌گذرد از آن وقتی که دست بر دست هم نهادیم و هم‌قسم شدیم» (همان: ۲۱۳).

نتیجه‌گیری

ناتورالیسم عنوان یک جنبش ادبی است که در اواخر قرن نوزدهم از فرانسه آغاز شد. بنیان‌گذار این مکتب امیل زولا^۱، نویسنده فرانسوی بود. نویسندگان مکتب ناتورالیسم، حوادث و رویدادهای زندگی را تشریح می‌کنند و به علت ماورای پدیده‌های علمی برای توجیه حوادث و رویدادهای زندگی اعتقادی ندارند. ناتورالیسم ادبی از طریق ترجمه آثار ادبی صدر مشروطه به بعد وارد ادبیات داستانی ایران شد و برخی از نویسندگان ایرانی را تحت تأثیر قرار داد.

پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در سال‌های آغازین نبرد، خلق آثار داستانی با دیدگاه ناتورالیستی دور از انتظار بود؛ زیرا جنگ ما بر مبنای اصول اعتقادی و ارزشی استوار بود و با ناتورالیسم که یک دیدگاه مادی و منکر مسائل ماورایی است، همخوانی نداشت. با گذشت زمان و ظهور آثار مخرب جنگ، نارضایتی‌ها و انتقادات گسترش یافت و جنبه معنوی جنگ به سوی مسائل مادی تمایل یافت. به مرور نشانه‌هایی از این نگرش در برخی از آثار داستانی دفاع مقدس ظاهر شد. از جمله این آثار، دو رمان «زمستان ۶۲» و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را می‌توان نام برد.

اسماعیل فصیح در رمان «زمستان ۶۲»، آثار مخرب جنگ را بر جامعه و مردم اهواز

به تصویر کشیده و احمد دهقان در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، با شکستن برخی از قراردادهای عرفی و خطّ قرمزها، صحنه‌هایی از لحظات جان‌گداز شهادت رزمندگان را در برابر چشمان مخاطب قرار می‌دهد. نمود مؤلفه‌های ناتورالیسم در هر دو اثر یکسان نیست. نگاه فصیح به موضوع جنگ منفی است و این نگاه منفی را با به کارگیری برخی از شاخصه‌های ناتورالیسم به نمایش می‌گذارد. هدف دهقان، سیاه‌نمایی نیست؛ بلکه او با هدف بیان واقعیات جنگ و جبهه، رمان خود را نگاشته است. در مقایسه چگونگی به کارگیری مؤلفه‌های ناتورالیستی این دو رمان، موارد زیر قابل ذکر است:

- نفی اراده فرد در «زمستان ۶۲» به شکل بارزتری مشهود است. فصیح به گونه‌ای ملموس و قطعی انسان را در برابر تقدیر، تسلیم و بی‌دفاع نشان می‌دهد. این قطعیت در کلام دهقان کم‌رنگ‌تر است.
- فصیح بیشتر برای تحقیر افراد، آنها را به حیوان تشبیه نموده است؛ لیکن دهقان با ذکر وجه شبه، توجه خواننده را به نوع رفتارها جلب می‌کند.
- هر دو نویسنده، جزئیات تلخ حوادث را به دقت ترسیم می‌کنند.
- فصیح در ویژگی تأثیرپذیری از شرایط جسمانی، به غرایز جسمانی بیشتر توجه داشته، در حالی که تأکید دهقان در این ویژگی به نیازهای جسمانی بیشتر است و از غرایز در لفافه سخن گفته است.
- نوع واژه‌های به کار رفته در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، فقر و فلاکت را قوی‌تر از «زمستان ۶۲» به خواننده انتقال می‌دهد.
- احساس یأس و پوچی با کلام فصیح، قوی‌تر به مخاطب منتقل می‌شود. در کلام دهقان، حس ناامیدی بر پوچی غلبه دارد.
- مخالفت با قراردادهای اخلاقی در رمان فصیح به وفور به چشم می‌خورد. مصرف مواد الکلی و گاهی قرص مخدر و روابط نامشروع در اثر او، موضوعی عادی است. نگرش دهقان کاملاً متفاوت است. او در کلام خود به ترس فرماندهان و قتل عمد سربازان سر بسته اشاره کرده که اینگونه رفتار در «دفاع مقدس»، امری نامتعارف است.

- فصیح در «زمستان ۶۲» با نگاهی تمسخرآمیز به باورهای اصیل اعتقادی پرداخته، لیکن هدف دهقان، ایجاد طنز در کلام بوده است.
- هر دو نویسنده، زبان محاوره را در خلق پروتوتیپ طبقاتی^(۱) به کار گرفته‌اند.
- فصیح در «زمستان ۶۲»، حرمت قراردادی کلمات را می‌شکند و به روال عادی ناسزا می‌گوید. دهقان کمتر از فصیح و در ایجاد طنز از این شاخص بهره برده است.
- غم نهفته در رمان «زمستان ۶۲»، کام خواننده را تلخ می‌کند؛ اما در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» حسّ دردی که از شهادت رزمندگان در قلب خواننده می‌نشیند، قوی‌تر است.

هر دو نویسنده در این دو اثر، گونه‌ای از ناتورالیسم را رقم می‌زنند که در بسیاری از موارد چارچوب کلی آن با اصول این مکتب همخوانی دارد؛ اما یادآوری این نکته ضروری است که در این دو اثر، نمود آشکاری از دین‌گریزی که از مبانی اصلی مکتب ناتورالیسم است، دیده نمی‌شود و این امر همسو با مبانی اعتقادی دفاع مقدّس است. برخی از تحلیلگران، اینگونه آثار را در زمره آثار ضدّ جنگ قرار می‌دهند؛ در حالی که با توجه به دلالت‌های متنی ارائه‌شده در متن مقاله، می‌توان با کمی اغماض، اینگونه آثار را در گروه آثار ناتورالیستی جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس جای داد و با پیوند دو دیدگاه متفاوت، به مضامین نو و تازه دست یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت

۱. پروتوتیپ یا پیشین تیپ، شخصی است که نویسنده آن را الگو و سرمشق قرار می‌دهد و با توجه به آن، دست به شخصیت‌آفرینی می‌زند.

منابع

- اسداللهی، خدابخش و ایمان مهری بیگدیلو (۱۳۹۸) «سبک‌شناسی داستان‌های اسماعیل فصیح»، فصلنامه بهار ادب، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴۴)، صص ۲۵۳-۲۷۲.
- پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۴) جنگی داشتیم، داستانی داشتیم، تهران، صریح.
- ثروت، منصور (۱۳۹۰) آشنایی با مکتب‌های ادبی، چاپ سوم، تهران، علم.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶) جنگ از سه دیدگاه، تهران، صریح.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۸۸) سیر ناتورالیسم در ایران، سمنان، دانشگاه سمنان.
- خادمی کولایی، مهدی و نسیم حسن‌پور ایلالی (۱۳۹۷) «بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در ادبیات داستانی جنگ (مورد پژوهی: احمد دهقان)»، نشریه ادبیات پایداری، سال دهم، شماره ۱۸، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- دهقان، احمد (۱۳۹۳) سفر به گرای ۲۷۰ درجه، چاپ بیستم، تهران، سوره مهر.
- رادفر، ابوالقاسم و عبدالله حسن‌زاده میرعلی (۱۳۸۳) «نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال اول، شماره ۳، صص ۲۹-۴۴.
- سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۰) تفنگ و ترازو (نقد رمان‌های جنگ)، تهران، روزگار.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۹) مکتب‌های ادبی، جلد ۱، چاپ شانزدهم، تهران، نگاه.
- شریفیان، مهدی و فرامرز رحمانی (۱۳۹۲) «تحلیل عناصر ناتورالیستی در داستان‌های محمود دولت‌آبادی»، فصلنامه ادب فارسی، دوره سوم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۱۴۸-۱۶۸.
- شوهانی، علیرضا (۱۳۸۹) «سیری در رمان جنگ دهه ۶۰»، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۶۵/۳، صص ۱۵۳-۱۷۱.
- صادقی شهپر، رضا و سیما پورمرادی (۱۳۹۲) «یک گام به سوی بومی‌گرایی: نقد داستان‌های اسماعیل فصیح، حرکت از ناتورالیسم به سوی رئالیسم»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره دوم، شماره ۲۹، صص ۱۷۳-۱۹۹.
- فصیح، اسماعیل (۱۳۹۶) زمستان ۶۲، چاپ نهم، تهران، ذهن‌آویز.
- فورست، لیلیان و دیگران (۱۳۷۶) ناتورالیسم، ترجمه حسن افشار، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- مقالات سمینار بررسی رمان جنگ (۱۳۷۳) بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی، تهران.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۰) ادبیات داستانی و صادق چوبک، یاد صادق چوبک، به کوشش علی دهباشی، تهران، ثالث.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۰) نوشتن از اعماق مردم، یاد صادق چوبک، به کوشش علی دهباشی، تهران، ثالث.
- (۱۳۸۶) فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز، تهران، چشمه.
- (۱۳۸۷) صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد ۲، چاپ پنجم، تهران، چشمه.